

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم
شماره سوم (پیاپی ۱۹)، پاییز ۱۳۹۲، ص ۷۶-۵۷

نسل‌کشی یا تراژدی بزرگ ارامنه در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م: استدلال‌های مخالفان

علی امیدی* - فاطمه رضایی**

چکیده

بررسی حوادث دردناک مربوط به ارامنه، در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م که ترک‌ها آن را «تراژدی بزرگ» می‌نامند و ارامنه از آن، به‌عنوان «نسل‌کشی» یاد می‌کنند همچنان توجه برخی از محققان را جلب کرده است. این موضوع به عللی، مانند حساسیت‌های سیاسی و دسترسی محدود محققان به آرشیوهای اسناد دولت عثمانی و ارمنستان و روسیه، با ابهاماتی روبه‌رو بوده است. در هر دوره‌ای، محققان با دستیابی به اطلاعات تاریخی و اسنادی در این رابطه، به تحقیق و ارزیابی این مسئله پرداخته‌اند. در مقاله حاضر، ابتدا به تعریف فنی مفهوم نسل‌کشی پرداخته‌ایم و نیز تلاش کرده‌ایم تا با بررسی غیرمستقیم اسناد موجود، در آرشیو امپراتوری عثمانی و همچنین تحقیقات صورت گرفته توسط مخالفان نظریه نسل‌کشی، به بررسی علمی این مسئله تاریخی بپردازیم. این مقاله قصد تطهیر عاملان این واقعه دردناک را ندارد و صرفاً هدفش روشن‌نگری، با استناد به استدلال مخالفان فرضیه نسل‌کشی ارامنه است. در این مقاله به‌صورت توصیفی تحلیلی، مسائل و تحولات رخ داده طی سال‌های ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵ و ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م، در سرزمین عثمانی را که در رابطه با مهاجرت اجباری و کشتار و مرگ‌ومیر ارامنه است بررسی می‌کنیم. در تدوین اطلاعات مربوط به تحقیق، علاوه بر منابع مکتوب از منابع معتبر و جدید اینترنتی نیز استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی

امپراتوری عثمانی، نسل‌کشی ارامنه، مهاجرت، جنگ جهانی اول، پان‌ترکیسم.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) aliomidi@ase.ui.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان fater_rezaei@yahoo.com

مقدمه

ارامنه کم‌کم وضعیت هلوکاست یهودیان را به خود می‌گیرد.

بررسی صحت و سقم قتل‌عام ارامنه در حوزه تاریخنگاری، امری دشوار است؛ ولی غیرممکن نیست. این موضوع تبدیل به یکی از دشواری‌های تاریخنگاری معاصر شده است و تأثیر عمیقی بر روابط ترکیه و ارمنستان و غرب برجای گذاشته است. ارامنه معتقدند که نسل‌کشی و قتل‌عام گسترده علیه ارمنیان، در بحبوحه جنگ جهانی اول رخ داده و حکومت عثمانی رفتاری مشابه حکومت نازیسم آلمان، در قبال یهودیان، داشته است. از سوی دیگر، برخی مورخان ترک این موضوع را غیرواقعی و غیرتاریخی می‌دانند و آن را رد می‌کنند. دولت ترکیه با وجود پذیرش واقعه دردناک تاریخی، در قبال ارمنی‌ها در اثنای جنگ جهانی اول در امپراتوری عثمانی، از پذیرفتن این واقعه با عنوان نسل‌کشی خودداری کرده است. این دولت وجود سیاست سیستماتیک و عمدی، برای نابودی ارامنه را قبول ندارد. دولت ترکیه جان‌باختن تعدادی از ارامنه در طول جنگ جهانی اول را به رسمیت شناخته است؛ اما مدعی است که در این واقعه، ترک‌های مسلمان هم کشته شده و مورخان ارمنی، در بازتاب تعداد کشته‌شدگان ارمنی بزرگ‌نمایی کرده‌اند. دولت ترکیه مدعی است که این واقعه نتیجه خشونت‌ها و درگیری‌های گسترده قومی، در طول جنگ جهانی اول بود و ارامنه و ترک‌های عثمانی، هر دو، مسئول این واقع بودند. برای ما ایرانیان که در جوار حکومت عثمانی، ترکیه فعلی، از یک سو و ارمنستان از سوی دیگر بوده و هستیم و با هر دو ملت روابط تاریخی و حسنه داریم، اهمیت شناخت این واقعه خطیر است و تأثیر مهمی در بازخوانی تاریخ دارد. مقامات ترکیه، خصوصاً از سال ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م، به بعد که «حزب

نسل‌کشی ارامنه (به ارمنی: Հայոց Զեղասպանություն استانبولی Ermeni Kırımı) که گاه با عناوین دیگری، همچون هولوکاست ارامنه و کشتار ارامنه از آن یاد می‌شود. این واقعه نزد خود ارمنی‌ها، با عنوان جنایت بزرگ (به ارمنی: Մեծ Եղեռն) شناخته می‌شود. نسل‌کشی ارامنه به مرگ و میر یا کشتار جمعیت ارمنی ساکن سرزمین‌های تحت‌کنترل امپراتوری عثمانی در خلال جنگ جهانی اول، ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م تا ۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م، اطلاق می‌شود. این حادثه شگرف، همانند بسیاری از حوادث مهم تاریخی، در روابط بین‌الملل با سه جهت‌گیری مخالفان و موافقان و دول بی‌طرف در نامیدن حادثه مزبور با عنوان نسل‌کشی مواجه شده است. دول غربی اکثراً متمایل به نامیدن این حادثه، با عنوان نسل‌کشی هستند. مجلس نمایندگان فرانسه در سال ۱۴۳۲ق/۲۰۱۱م، قانونی را تصویب کرد؛ به موجب آن کسانی که حادثه ناگوار موسوم به قتل‌عام یا نسل‌کشی ارامنه در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م، در امپراتوری عثمانی را انکار کنند محکوم به یک سال حبس و پرداخت چهل و پنج هزار یورو جریمه خواهند بود. پیشتر از این، در آوریل ۱۴۳۱ق/۲۰۱۰م، کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، برخلاف خواست دولت باراک اوباما، کشتار ارامنه در جنگ جهانی اول توسط حکومت عثمانی را به عنوان نسل‌کشی به رسمیت شناخت. تاکنون، بیست و یک کشور نسل‌کشی و قتل‌عام ارامنه در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م، در عثمانی را به رسمیت شناخته‌اند؛ ولی برای اولین بار، فرانسه علاوه بر شناسایی این قتل‌عام، برای منکران آن نیز مسئولیت کیفری و جزائی تعیین کرد. در واقع، قضیه قتل‌عام

صفهانیان (۱۳۴۷) مقاله‌ای با عنوان «مسئله ارمنه در امپراتوری عثمانی» نگاشته و تلاش کرده است تا به بازخوانی این واقعه بپردازد. وی در این مقاله معتقد است که مسئله ارمنه در امپراتوری عثمانی بیشتر، ریشه در اختلافات دولت عثمانی با دولت‌های بریتانیا و روسیه دارد که در طول جنگ جهانی اول این مسئله به قتل‌عام ارمنه منجر شده است. اصفهانیان از نظر تاریخی، سرکوب شدید ارمنه و کشتار آنان توسط دولت عثمانی را پذیرفته است؛ ولی معتقد است باید شروع‌کننده آشوب‌ها، در سرزمین عثمانی مشخص شود. ارمنه در طول سالیان متمادی، به تحریک ارمنه اروپا و آمریکا و به‌ویژه ارمنه روسیه، مقاومت‌ها و قیام‌هایی را سازماندهی کرده و خواستار خودمختاری ارمنستان شرقی و غربی بوده‌اند. این تحریکات در زمان جنگ جهانی اول به اوج خود رسیده و حتی در مناطقی، به درگیری با سربازان امپراتوری منجر شده است (اصفهانیان، ۱۳۴۸: ۲۰ تا ۳۰). راین (۱۳۵۷) تحقیقات بسیار باارزشی درباره قتل‌عام ارمنه انجام داده و نتیجه تحقیقات خود را در کتاب «قتل‌عام ارمنیان» ارائه کرده است. این محقق، همان‌طور که شیوه کار تحقیقی وی است، برای نگارش این کتاب نیز از منابع مختلفی استفاده کرده است. ارزش کار تحقیقی راین چنان است که امروز کتاب فوق‌الذکر، از جمله کتاب‌های مرجع و معتبر ایرانی به حساب می‌آید. براساس گفته اسماعیل راین: «جنایت به‌طرزی بسیار اصولی انجام گرفت. نقشه بسیار هوشمندانه و زیرکانه تدوین شده بود؛ زیرا تردیدی نیست که اجرای چنین طرحی، قطعاً با عکس‌العمل و مقاومت متشکل یا پراکنده ارمنیان مواجه می‌شد. بدین جهت، باید ترتیبی داده می‌شد که نخست احتمال هرگونه مقاومتی از میان برود؛ یعنی همه نیروهای مقاوم فلج شوند و این نیرو طبعاً مردان و

عدالت و توسعه» به قدرت رسیده است به‌دنبال آشتی تاریخی و سیاسی با ارمنستان بوده‌اند. در سال ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م، رجب‌طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، از مورخان ترک و ارمنی و بین‌المللی برای تشکیل کمیسیونی مشترک و ارزیابی مجدد وقایع سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م، براساس اطلاعات و مستندات موجود در آرشیوهای ترکیه و ارمنستان و کشورهای دیگر دعوت کرد. با این وصف، خاطره این واقعه به‌عنوان خاطره بسیار مهم بر هویت ملی ارمنه تا به امروز باقی مانده است. بسیاری از ارمنه ادعا می‌کنند که هیچ سازشی با جمهوری ترکیه، تا زمان به‌رسمیت‌شناختن عمل نسل‌کشی امکان ندارد. اجماع نظری علمی، درباره این تراژدی تاریخ تاکنون به‌دست نیامده است. مقاله حاضر ضمن پذیرش بروز فاجعه وحشتناک نسبت به ارمنه و مسلمانان، در اثنای جنگ جهانی اول، بیشتر سعی می‌کند حول استدلال مخالفان فرضیه نسل‌کشی ارمنه متمرکز شود؛ سپس نتایج پژوهش‌های علمی تاریخی را که در این زمینه صورت گرفته است براساس روش توصیفی-تحلیلی بررسی کند. این مقاله صرفاً به‌دنبال آن است که استدلال مخالفان نامیدن این حادثه با عنوان نسل‌کشی را واکاوی کند و قضاوت را به‌عهده خواننده وامی‌نهد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با این موضوع، در سال‌های اخیر آثاری به زبان انگلیسی منتشر شده است که در متن مقاله به آن‌ها استناد می‌کنیم؛ اما، به‌طور خاص در زمینه دیدگاه‌های مخالف نسل‌کشی، کار پژوهشی معدودی به زبان فارسی انجام گرفته است که می‌توان به برخی از این نمونه‌ها اشاره کرد:

مخصوصاً جوانان هستند... عثمانی‌ها برای اینکه با هیچ‌گونه اعتراض و عکس‌العمل خطرناکی روبه‌رو نشوند، در درجه اول مردان و جوانان را به بهانه «سربازی» از گردونه خارج می‌کنند، تا پس از آن با خیال راحت، حساب میلیون‌ها زن و کودک و پیرزن و پیرمرد را تسویه کنند. بدون اینکه کوچک‌ترین خطری از ناحیه مردان و نیروهای مقاوم تهدیدشان کند...» (رائین، ۱۳۵۷: ۶۸ تا ۷۰). همان‌طور که از این نقل قول برمی‌آید نویسنده موضع کاملاً ضد عثمانی اتخاذ کرده یا احتمالاً به منابع مخالف نسل‌کشی دسترسی نداشته است.

باغداساریان (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای، با عنوان «نگاهی کوتاه به تاریخ قتل‌عام ارمنیان توسط حکومت ترکیه»، این واقعه تاریخی را مطالعه کرده است. وی در این مقاله، درباره‌ی انگیزه‌های قتل‌عام و آمرین آن تحقیق کرده است. این نویسنده با تأیید فرضیه هلوکاست علیه ارمنیان، یکی از انگیزه‌های این کشتار را گسترش طرح‌ها و قانون‌های پان‌ترکیسم در امپراتوری عثمانی عنوان کرده است؛ زیرا ارامنه و جنبش‌های آنان را یکی از موانع جدی طرح‌های توسعه‌طلبانه ترک‌ها دانسته است. این نویسنده، دخالت محافل فراماسونر صهیونیستی را در طراحی قتل‌عام ارامنه مطرح کرده است. وی معتقد است که ارامنه و صهیونیست‌ها، در امپراتوری عثمانی همواره در حال رقابت بوده‌اند و با قتل‌عام گسترده ارامنه، رقیب شماره یک صهیونیست‌ها در این امپراتوری حذف شده است (باغداساریان، ۱۳۸۵: ۱ تا ۱۰). عابدپور (۱۳۸۶)، در مطلبی با عنوان «قتل‌عام ارامنه در سال ۱۳۳۳ ق/ ۱۹۱۵ م، بر پایه اسناد و مدارک» به بررسی ادعای ارامنه در رابطه با کشتار گسترده آنان توسط دولت عثمانی پرداخته است. عابدپور با مخدوش‌دانستن برخی از ادعاهای ارامنه، مدعی است قتل‌عام سازماندهی شده‌ای در جریان نبوده است؛ بلکه وضعیت خاص دوره جنگ جهانی و

قحطی و گرسنگی گسترده‌ای که در دولت عثمانی پیش‌آمده کشته‌شدن جمعیت کثیری را باعث شد که شامل ترک‌ها و کردهای مسلمان و ارامنه بودند. وی این نظر را مطرح می‌کند که وضع جنگی و جنگ روانی کشورهای بریتانیا و فرانسه علیه عثمانی، این واقعه را پررنگ نشان داده و مسئله ارامنه را به یکی از مسائل بغرنج تاریخنگاری معاصر تبدیل کرده است. او همچنین، در مقابل تبعید اجباری ارامنه توسط دولت عثمانی، اخراج مسلمانان از منطقه بالکان توسط روسیه را مطرح کرده که منجر به کشته‌شدن تعداد بسیاری از مسلمانان شده است. این نویسنده در نهایت، مدعی است تا زمانی که آرشیوهای روسیه و ارمنستان به روی محققان بسته باشد، با اتکا به اطلاعات آرشیوهای ترکیه نمی‌توان به فهم درستی از برخورد امپراتوری عثمانی با ارامنه رسید (عابدپور، ۱۳۸۶: ۲۴ تا ۲۷). طباطبایی (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «قانون مجازات انکارکنندگان قتل‌عام تاریخی ارامنه در پارلمان فرانسه» ضمن بازخوانی این کشتار، به جنبه‌های سیاسی این قانون در پارلمان فرانسه پرداخته است. طباطبایی این نظر را مطرح می‌کند که اختلافات ارضی قومی ارامنه و ترک‌ها، در گذر تاریخی و بستر تحولات منطقه‌ای، در هر دوره‌ای شکلی به خود گرفته است. ارامنه معتقدند که واقعه ۱۳۳۳ ق/ ۱۹۱۵ م، تنها حادثه‌ای تلخ تاریخی نیست؛ بلکه هویت قوم ارمنی در کشاکش نزاع‌های یک طرفه تاریخی مخدوش شده است و اصلی‌ترین عامل آن را نیز اقدامات امپراتوری عثمانی، در طول سالیان متمادی، به‌ویژه در طول جنگ جهانی اول و کشتار گسترده ارامنه ساکن عثمانی می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ تا ۲۰). در مقاله حاضر ضمن استناد به منابع فوق‌الذکر، معتقدیم استدلال‌ها و یافته‌های تاریخی که اخیراً مورخان ترک و دولت ترکیه منتشر کرده‌اند در آثار فوق‌غایب است؛ از این‌رو، سعی می‌کنیم با درج این استدلال‌ها،

به این شد که نسل‌کشی در زمره جرم‌های علیه بشریت طبقه‌بندی شود. از نظر لفظی، قتل‌عام یا نسل‌کشی (genocide) از واژه‌های لاتین *genos*، به معنی «گروه» و *cide*، به معنی «کشتن» مشتق شده است. نسل‌کشی عبارت است از هرگونه اقدام و مبادرت عمدی، برای نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی نژادی، قومی، ملی، مذهبی و ایدئولوژیکی. اولین تعریف فنی این اصطلاح، در ماده دوم کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت کشتار گروهی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ نهم دسامبر ۱۳۶۷ق/ ۱۹۴۸م، به عمل آمده است. طبق ماده دوم این کنوانسیون، کشتار گروهی یا نژادکشی به معنی اقدامی است که به قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به شرح زیر انجام شود:

۱. کشتن اعضای گروه؛
۲. واردآوردن آسیب جدی جسمی یا روحی به اعضای گروه؛
۳. تحمیل عمدی وضعی بر گروه، به منظور نابودی فیزیکی تمام یا بخشی از آن؛
۴. تحمیل مقرراتی به منظور پیشگیری از زادوولد در داخل گروه؛
۵. انتقال اجباری کودکان گروه به گروهی دیگر.

همچنین، طبق ماده چهار این کنوانسیون اشخاصی که مرتکب کشتار گروهی، توطئه برای انجام آن، تحریک مستقیم و عمومی برای ارتکاب به آن یا همدستی در کشتار گروهی شوند، اعم از اینکه اعضا حکومت یا مستخدمان دولت یا اشخاص عادی باشند مجازات خواهند شد (متن انگلیسی کنوانسیون، سایت سازمان ملل: ۲۰۱۲). اطلاق پدیده نسل‌کشی لزوماً به معنی از بین بردن انسان‌ها، به صورت دسته‌جمعی نبوده است و مطابق ماده ۳ کنوانسیون مزبور، اعمالی نظیر

کاستی‌های آثار قبلی را جبران کنیم. برای این منظور، مقاله از چهار بخش اساسی تشکیل شده است: ۱. مقدمه و پیشینه موضوع که مرور شد؛ ۲. تعریف فنی حقوقی نسل‌کشی؛ ۳. استدلال‌های اصلی مخالفان نسل‌کشی؛ ۴. نتیجه‌گیری.

تعریف فنی نسل‌کشی در حقوق بین‌الملل

از زمان‌های بسیار قدیم، نابودساختن گروه‌های قومی یا نژادی یا دینی عملی شایع و با یکی از این چهار عامل مرتبط بوده است: ۱. جنگ‌های فاتحانه که پیامد همیشگی آن قتل‌عام مردم سرزمین‌های مسخر بوده است؛ ۲. برداشت نژادپرستانه از دین که اغلب نابودی گروه‌های دینی رقیب را بر حق دانسته است؛ ۳. ناسیونالیسم افراطی که منتهی به شووینیسیم می‌شده است؛ ۴. تفوق استعماری قدرت‌های اروپایی، در آمریکای لاتین و آسیا و آفریقا تا همین اواخر که فرصت یا علت انهدام کامل اقوام یا مردمان بومی بوده است. اولین بار حقوق‌دانی به نام «رافائل لمکین» (Raphael Lemkin) که بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۹م، می‌زیست و یک یهودی لهستانی‌الاصیل بود واژه نسل‌کشی را به محافل علمی معرفی کرد. وی در سال ۱۳۶۳ق/ ۱۹۴۴م، مهم‌ترین اثر خود را با عنوان «سلطه دول محور بر اروپای اشغال شده»^۱ منتشر کرد. وی در بخش اول فصل نهم، یعنی صفحات ۷۹ تا ۹۵، با عنوان نسل‌کشی به تعاریف مختلف این مفهوم پرداخت که بعداً در تعاریف حقوقی به این مفهوم استناد شد (جیکوبز، ۱۳۸۴: ۱۰). از جهت تاریخی حقوقی، اصطلاح نسل‌کشی برای اولین بار در دادرسی‌های دادگاه نورنبرگ استفاده شد که این دادگاه برای رسیدگی به جنایت‌های جنگی نازی‌ها، در جنگ جهانی دوم تشکیل شده بود. تعقیب قانونی مرتکب‌شوندگان هولوکاست در دادگاه نورنبرگ، منجر

۳. سوءظن به ارمنی‌ها، به جهت ستون پنجم متفقین و دشمنان عثمانی؛ مورخان ارمنی معتقدند که ترک‌ها در طول جنگ، به اقلیت ارمنی سوءظن داشته و آن‌ها را ستون پنجم دشمن قلمداد می‌کردند؛ از این رو، به دنبال بهانه‌ای برای قلع و قمع آنان بودند. برخی منابع در تأیید این ادعا به این گفته مقامات ترک استناد می‌کنند: «ما در حال جنگ بودیم. برای بقای خودمان می‌جنگیدیم. ارامنه به پیروزی دشمنان ما دل بسته بودند و توطئه می‌کردند تا آن پیروزی را میسر سازند. آن‌ها در منطقه‌ای جنگی در کمال آزادی دست به خیانت می‌زدند و ما ناچار بودیم علیه آن‌ها با انضباط نظامی رفتار کنیم». ولی، از نظر ارامنه چنین استدلالی کاملاً با حقایق مغایرت دارد؛ چون ارامنه در مناطق جنگی سکونت نداشتند. هیچ‌یک از شهرها و آبادی‌هایی که آن‌ها، به طرزی دقیق و طبق برنامه از آنجا به سوی مرگ تبعید می‌شدند به هیچ وجه، به مقرر خصومت‌ها و زدوخوردها نزدیک نبود (رائین، ۱۳۵۷: ۱۰۲ و ۱۰۳).

۴. تلاش ارمنی‌ها برای ایجاد دولت مستقل در خاک ترکیه؛ ارامنه به علل مذهبی و سیاسی با متفقین همکاری می‌کردند؛ ولی براساس حق تعیین سرنوشت، به دنبال تشکیل دولت مستقل بودند. دولت عثمانی به جای مساعدت در تحقق این حق، با تمسک به اصل تمامیت‌ارضی موجب فجایع انسانی علیه ارامنه شد (اردوان و زمانی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱ تا ۵۰).

از نظر طرفداران نسل‌کشی ارامنه، جنگ جهانی اول فرصت مناسبی را به ترکان ناسیونالیست داد و آن‌ها سرانجام در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، طی برنامه‌ای از پیش طراحی شده، نسل‌کشی ارمنیان را به مرحله اجرا درآوردند. به نظر طرفداران نسل‌کشی، نابودی تعداد بسیاری ارمنی را دولت عثمانی، به شکلی دقیق و محرمانه طرح‌ریزی و اجرا کرد. در رأس این طرح، محمد طلعت‌پاشا، وزیر کشور، اسماعیل انور (انور

معاونت در جرم از طریق تبانی یا تحقق جرم مستقل یا در حد شروع به جرم نیز در شمول اطلاق این واژه قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد مفاد مندرج در ماده ۳ کنوانسیون جنبه حصری دارد و شامل ژنوسید فرهنگی و عقیدتی نمی‌شود. دادگاه‌های ملی نیز می‌توانند به این جرم رسیدگی کنند؛ ولی به لحاظ اینکه اصولاً این جرم را دولتمردان انجام می‌دهند می‌توان گفت که مطابق ماده ۴ کنوانسیون، اعضای حکومت نیز مشمول مجازات می‌شوند (متن انگلیسی کنوانسیون، سایت سازمان ملل: ۲۰۱۲). براساس نص صریح کنوانسیون مصوب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در تاریخ یازدهم نوامبر ۱۳۹۰ق/ ۱۹۷۰م، جنایت کشتار گروهی در هیچ وضعی شامل مرور زمان نمی‌شود و آمران و عاملان آن، در هر زمانی باید تعقیب شوند (قطعنامه ۲۳۹۱ مجمع عمومی: ۱۹۷۰).

استدلال‌های مخالفان نسل‌کشی ارامنه

طرفداران وقوع نسل‌کشی ارامنه معتقدند که پان‌ترکیسم، به عنوان گفتمان غالب سال‌های جنگ جهانی اول، خصوصاً در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، به علل زیر به قتل عام ارامنه مبادرت کرد:

۱. عوامل جغرافیایی؛ چراکه ارمنیان همچون دیواری آهنین، میان ترک‌های عثمانی و ترک‌زبانان قفقاز قرار گرفته بودند و جابه‌جایی آن‌ها می‌توانست پیوند جغرافیایی این دو را محقق کند (Melson & Kuper, 1996: 139).

۲. مذهب ارمنی‌ها؛ اینکه ارمنی‌ها مسیحی بودند و با وجود فشار و تعقیب و تجاوز حاضر نمی‌شدند دین خود را عوض کنند و به اسلام بگروند؛ از این رو، اقداماتی چون نسل‌کشی توجیه مذهبی داشت (First-hand account by a Turkish army officer: 1916)

Karako, 2010: 157-177) اقتصادی ریاست داشتند

در مجلس مبعوثان (نمایندگان) عثمانی، بعد از سال ۱۲۹۳ق/ ۱۸۷۶م، ۳۳ نماینده ارمنی حضور پیدا کردند. در وزارتخانه امور خارجه ۷ سفیر کبیر و ۱۱ کنسولگر و سرکنسولگر ارمنی ایفای وظیفه کردند. در مکتب سلطانی (دبیرستان غلظه‌سرای کنونی) و مکتب ملکیه (دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آنکارای فعلی) ۱۱ پروفیسور ارمنی‌نژاد، به‌عنوان استاد تدریس کردند. این سوابق و آمار نشان می‌دهد که ارمنی‌ها در دوره عثمانی از هرگونه حقوق شهروندی برخوردار بوده و در زندگی اجتماعی عثمانی، سهم بسزایی داشته‌اند؛ پس دولت عثمانی، هیچ‌گونه تقابل یا تبعیض منفی علیه ارمنه اعمال نکرده است (ترکیه، ۲۰۱۲: ۲۲۱).

جابه‌جایی، نه اخراج، و مقابله با تجزیه‌طلبی

مخالفان نسل‌کشی مدعی هستند که: «اقدامات انجام شده در مورد ارمنه در شرق آناتولی، صرفاً یک راه‌حل جایگزین و جابه‌جایی منطقه‌ای در داخل امپراتوری عثمانی به دلایل امنیتی بوده است. نه اخراج و بی‌خانمان کردن ارمنه یا قتل‌عام آن‌ها». منابع دولتی ترکیه با استناد به آرشیو تاریخی برجای مانده از دولت عثمانی، استدلال می‌کنند «حزب اتحاد و ترقی» زمانی که به رهبری مصطفی کمال‌پاشا به قدرت رسید، هرگز به‌دنبال گسترش دکتورین ضدارمنی نبود (Timur, 2001: 101)؛ هرچند که ای‌دئولوژی پان‌ترکیسم را درپیش گرفته بود. آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند سیاست‌های حزب اتحاد و پیشرفت، براساس مقتضیات زمان و همچنین نیازها و خواسته‌های شهروندان ارمنی بوده است؛ ازاین‌رو، برنامه جامعی باعنوان «بسته اصلاحات مربوط به ارمنه» به تصویب این حزب رسید. مورخان ترک همچنین اذعان می‌کنند

پاشا)، وزیر جنگ، و احمد جمال‌پاشا، وزیر دربار عثمانی، قرارداد داشتند که تمام آن‌ها از اعضای حزب اتحاد و ترقی بودند (Kedourie & Wasti, 1996: 96). اینان برای پیشبرد هدف‌های خود، به دولت آلمان وابسته شده بودند. این طرح در سال‌های ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م تا ۱۳۴۱ق/ ۱۹۲۳م، در ارمنستان غربی به اجرا درآمد که در اشغال امپراتوری عثمانی بود. در این طرح، بیش از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از مردم بی‌دفاع ارمنی، از زن و مرد و پیر و جوان، قربانی و حدود ۱ میلیون نفر دیگر در سراسر جهان پراکنده شدند (Schaefer, 2008: 90). مخالفان نسل‌کشی با بیان مقولات زیر، به رد وقوع عمدی و از پیش طراحی شده کشتار جمعی ارمنیان، در قلمرو امپراتوری عثمانی مبادرت می‌کنند؛ هرچند که می‌پذیرند فجایع انسانی رقت‌باری در اثنای جنگ، هم برای ارمنه و هم برای مسلمانان پدید آمد:

احراز مناصب عالیّه توسط ارمنه

از نظر دولت ترکیه ترک‌ها و ارمنی‌ها، به‌مدت بیش از ۸ قرن، زندگی مشترک صلح‌آمیزی در فلات آناتولی داشتند. ارمنی‌ها تا قرن ۱۴ق/ ۱۹م، به‌علت ادغام با جامعه عثمانی و سازگاری با سیستم ملت، به نام «ملت صادق» تسمیه شدند؛ سپس، به‌عنوان نشانه و نتیجه اعتماد به صداقت آن‌ها، در مناصب کلیدی امپراتوری نصب شدند. در دوره عثمانی، ۲۹ شهروند عثمانی ارمنی‌تبار، به‌صفت پاشا که رتبه‌ای عالی در حکومت بود، موصوف شدند. ۲۲ ارمنی، در وزارت‌های خارجه و مالیه و تجارت و پست، به‌عنوان وزیر مأموریت یافتند؛ مثلاً «گابریل نورادونکیان» که بین سال‌های ۱۳۳۰ق/ ۱۹۱۲م و ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۳م، به‌عنوان وزیر امور خارجه انجام وظیفه کرد، از تبار ارمنی بود. تعداد بسیاری ارمنی، در ادارات دولتی مربوط به امور زراعتی و جمعیتی و توسعه

تحقق بخشیدن به رؤیاهای خود، به مردمی که قرن‌ها در کنار آن‌ها در صلح و آرامش زندگی کرده بودند پشت کردند و در اثر فریب، آلت دست دشمنان دولت عثمانی شده و با آن‌ها همکاری کردند. لذا دولت عثمانی به‌هنگام جنگ، برای خنثی کردن فعالیت مخرب ارامنه ساکن در مناطق شرق عثمانی قانون تهجیر را از مجلس عثمانی گذراند؛ سپس آن‌ها را وادار به ترک مناطق جنگی کرد. در جریان این کوچ اجباری از مناطق جنگی، بسیاری از آن‌ها در اثر سرما و گرسنگی و امراض واگیردار مانند تیفوس و... تلف شدند (ترکیه، ۲۰۱۲: ۲۲۱ تا ۲۲۴).

مقامات ترکیه و برخی از مورخان ترک، همواره اعلام کرده‌اند که ادعای قتل عام را ارامنه، برای چشم‌پوشی از مقاومت و شورش‌های داخلی خود و واقعیت‌های تاریخی همان برهه از زمان مطرح کرده‌اند. بنابراین طبق اصل حاکمیت، این حق یک دولت است که حافظ تمامیت ارضی خود باشد و بعضاً ممکن است برای حفظ امنیت، خشونت‌هایی نیز به وقوع بپیوندد. دولت عثمانی برای حفظ تمامیت ارضی مجبور شد که با جابه‌جا کردن ارامنه، وحدت سرزمینی خود را حفظ کند (Ochsenwald, 2003: 379 & 380).

محدودیت امکانات لجستیکی

از نظر مورخان ترک، این نکته درخور تأمل است که در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، تنها یک خط آهن، غرب امپراتوری عثمانی را به شرق آن متصل می‌کرد و تنها همین مسیر، برای جابه‌جایی و توطئه علیه ارامنه وجود داشت. مقامات ترکیه به‌شدت، ادعاها دربارهٔ مکان اردوگاه‌های مختلف که در برخی از منابع ارمنی ذکر شده است و ادعای دفن ارامنه، در «دیرالزور» (EZ-Zor) را رد می‌کنند. انتخاب این مکان، به‌عنوان محل

که اطلاعات و مستندات تاریخی وجود دارد که قوانینی در حمایت از ارامنه، در مجلس دولت عثمانی به تصویب رسیده است؛ مانند قانون تهجیر (Tehcir Law) که در ۲۷ مه سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، به تصویب رسید و دلیلی بر تصمیم دولت عثمانی در حمایت از ارامنه است. بنابراین، دولت عثمانی به سرنوشت اتباع غیرمسلمان خود، شدیداً حساس بود. منابع ترکی ادعا می‌کنند هدف از این روند، جابه‌جایی افراد در معرض خطر بوده است. آن‌ها همچنین مدعی هستند که براساس شواهد و مستندات موجود، مأموران حکومت عثمانی براساس قانون مصوب، تهجیر، عمل کرده و این قانون نیز طبق مقتضیات جنگ جهانی اول تصویب شده بود (Armenian Studies, 2006). مورخان ترک همچنین استدلال می‌کنند درحالی‌که خاورمیانه با جنگ جهانی اول دست‌وپنجه نرم می‌کرد و دولت عثمانی با خطر فروپاشی و تجزیه روبه‌رو بود در درون دولت، اعضای دوگروه ناسیونالیستی دست به مبارزه مسلحانه علیه دولت عثمانی زدند؛ یکی ارامنه و دیگری شورش عرب‌ها (Arab revolt). در شرق آناتولی، برخی از جمعیت‌های ارامنه عثمانی، به‌دنبال افکار ناسیونالیستی افراطی بودند و این فعالیت‌ها را با عنوان «مقاومت ارامنه» نام‌گذاری کرده بودند. در آوریل ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، دولتی ارمنی در منطقه وان اعلام موجودیت کرد. ایده «ارمنستان بزرگ»، در واقع نوعی کپی‌برداری از وضعیت بالکان و تطبیق آن در عثمانی، شرق آناتولی، بود. دانشناک‌ها یا ناسیونالیست‌های افراطی ارمنی، تصور می‌کردند همچنان‌که در بالکان، یونانی‌ها و بلغارها و صرب‌ها توانستند با تکیه بر پشتیبانی دول غرب، به استقلال سیاسی دست یابند آن‌ها نیز می‌توانند با تکیه به دول غرب و روسیه، به هدف ایجاد ارمنستان بزرگ برسند. از نظر مورخان ترک، رهبران ارمنی در اثنای جنگ جهانی اول برای

دولت عثمانی، در طول سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م، پذیرفتنی نیست؛

۶. هیچ سابقه و سندی از زندان‌های شبیه هولوکاست یهودیان، درخصوص ارمنه ازسوی عثمانی وجود ندارد؛

۷. هیچ سخنرانی عمومی برگزارشده‌ای توسط دولت مرکزی عثمانی، به‌منظور هدف‌قراردادن و نابودی ارمنه موجود نیست (Siddiqui, 2012:1-2).

پذیرش قصور در قبال امنیت جابه‌جاشوندگان

مورخان ترک مدعی هستند که تأمین امنیت جابه‌جاشوندگان با مسئولیت امپراتوری عثمانی بوده است؛ ولی در آن زمان، برخی از کشورها به قلمرو وسیعی از عثمانی حمله می‌کردند و عملاً نیروهای دولت عثمانی، در برقراری نظم و امنیت جابه‌جاشوندگان ارمنی ناتوان بودند (سند شماره ۵۹/۲۴۴، آرشیو عثمانی). برخی از این حملات، به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: جاده‌های بین حلب و مسکن (Meskene) که منجر به کشته‌شدن بسیاری شد. یکی دیگر از این حوادث، در حوالی دیاربکر (Diyarbakir) و در جاده من‌بیک (Menbic) رخ داد (سند شماره ۵۶/۱۴۰، آرشیو عثمانی). در برخی از مناطق مانند دیاربکر و مامورتولازیز (Mamuretülaziz) و بیتلیس (Bitlis)، نیروهای امپراتوری با حملات قبایل محلی روبه‌رو شده بودند. برخی منابع مدعی هستند در این درگیری‌ها و با حمایت تلویحی سربازان عثمانی تحت‌فرمان امپراتوری، مردم محلاتی که در مسیر عبور تبعیدشدگان بودند شهروندان ارمنی را کشتند. مقامات ترکیه در رد این موضوع دو موضع اتخاذ کرده‌اند:

دفن ارمنه و ایجاد گورهای دسته‌جمعی به‌علت مشکلات سفر به این منطقه بعید به نظر می‌رسد. امپراتوری عثمانی با دو منطقه جنگی، گالیپولی (Gallipoli) در غرب و جبهه قفقاز در شرق مواجه بود. بنابراین، در آن زمان امکان لجستیکی جابه‌جایی حجم عظیمی از ارمنه، برای عثمانی ممکن نبود

(Assembly of Turkish American Associations, 1987:10-50)

از نظر مورخان ترک، پاکسازی قومی نیاز به سلاح‌های مخرب و تخصیص بودجه عظیم دارد. آنان بر این باورند که جابه‌جایی‌های گسترده‌ای، براساس قانون تهجیر (Tehcir Law)، درمیان ارمنه به وقوع پیوست؛ ولی استدلال‌هایی مبنی بر شباهت‌نداشتن این جابه‌جایی‌ها به نسل‌کشی به شرح زیر بیان می‌کنند:

۱. هیچ سابقه و سندی، نه در آرشیوهای دولت عثمانی و نه در آرشیوهای کشورهای دیگر مانند کشور سوریه، مبنی بر تلاش‌های گسترده و سیستماتیک و کارآمد، برای قتل ارمنه وجود ندارد؛

۲. هیچ فهرست و روش دیگری، برای ردیابی جمعیت ارمنه و تعداد واقعی کشته‌شدگان وجود ندارد؛

۳. در کنار اعتبارات تخصیص‌داده‌شده برای هزینه‌های جنگ هیچ تخصیص منابعی، تعیین منبع تأمین هزینه، برای نابودی ارمنه با استفاده از روش‌های شیمیایی و بیولوژیکی و... وجود ندارد؛ به نظر می‌رسد قتل‌عام تعداد انبوهی از جمعیت، مستلزم هزینه‌های هنگفتی است که در هزینه‌های جنگی، سندی دال بر این موضوع دیده نشده است.

۴. هیچ اطلاعاتی، در رابطه با ارمنه‌ای که مدعی تبعید اجباری هستند در مراکز بهداشتی و درمانی ثبت نشده است؛

۵. ادعای مربوط به قتل‌عام تعداد کثیری از زندانیان ارمنی، با توجه به موقعیت جنگی و مقدمات محدود

۱. تشکیل کمیسیون تحقیق؛ در همان برهه از زمان، کمیسیونی تحقیقاتی، در رابطه با حوادث مربوط به روند جابه‌جایی ارامنه تشکیل شد و به بررسی وقایع پرداخت (سند شماره ۵۶/۱۸۶، آرشیو عثمانی). اسناد مربوط نیز به دادگاه‌های نظامی ارائه شد و مطابق با احکام دادگاه‌های نظامی، متهمان به مجازات‌های سنگین محکوم شدند (سند شماره ۵۸/۲۷۸، آرشیو عثمانی).

۲. تشکیل دادگاه‌های خاص در پایان جنگ جهانی اول؛ در سال‌های ۱۳۳۷ق/۱۹۱۹ و ۱۳۳۸ق/۱۹۲۰م، این موضوع بار دیگر، در دادگاه‌های نظامی عثمانی مطرح شد و برخی پرونده‌ها را مجدداً بررسی کردند و محکومان این دادگاه‌ها مجازات شدند (45 & 46 Lewy, 2005). در سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م، به علت رفتار بد با ارامنه در حال تهجیر، ۱۶۷۳ نفر برای محاکمه در دادگاه‌های ذریبط بازداشت که ۶۷ نفر از آن‌ها به اعدام مجازات شدند. اسناد متعلق به این محاکمات، در آرشیوهای عثمانی موجود و محفوظ است (ترکیه، ۲۰۱۲: ۲۲۳). از سوی دیگر در فوریه ۱۳۳۷ق/۱۹۱۹، حکومت آن زمان عثمانی برای تحقیق درست در ادعاهای مبنی بر قتل عام ارامنه، یادداشت‌هایی به کشورهای اسپانیا، سوئیس، هلند، دانمارک و سوئد فرستاد. عثمانی از هر یک از این کشورها درخواست کرد با فرستادن دو حقوقدان، کمیسیون بازرسی و تحقیق تشکیل دهند. به علت دخالت انگلستان، در کار کشورهای نامبرده، این اقدام عقیم مانده و از بررسی قضیه ممانعت به عمل آمد (ترکیه، ۲۰۱۲: ۲۲۴).

اغراق در میزان تلفات و پدیده قحطی

هیچ اجماعی بین محققان ارمنی و برخی از محققان دولت ترکیه، در رابطه با تعداد تلفات ارامنه توسط

امپراتوری عثمانی وجود ندارد. مورخان ارمنی مدعی هستند که باید تعداد ارامنه قبل و بعد از جنگ جهانی اول ملاک تعیین کشته‌شدگان قرار گیرد. با توجه به اطلاعات دولت ترکیه، داده‌ها و اطلاعات نشریات غربی که با استفاده از آمار مناطق درگیر در جنگ مانند ترکیه، ارمنستان، آسیای صغیر، عثمانی، ترکیه آسیایی و دیگر مناطق ارائه شده است مستند نیست. مورخانی مانند یوسف هلاکوگلو (Usuf Halacoglu) ادعا کرده‌اند که تعداد تلفات بسیار کمتر از ادعای مورخان ارمنی است. براساس مطالعات انجام شده در سرشماری امپراتوری عثمانی توسط جاستین مک‌کارتی^۲ و برآوردهای محققان معاصر، گفته می‌شود که تعداد ارامنه در مناطق بحث‌شده قبل از جنگ جهانی اول، به مراتب کمتر از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بوده است. با توجه به اطلاعات و تحقیقات مک‌کارتی و دیگر کارشناسان، می‌توان مرگ‌ومیر ارامنه را تا ۳۹۰ هزار نفر در نظر گرفت. همه این مرگ‌ومیر مرتبط با جابه‌جایی‌ها نبوده است و نمی‌توان در رابطه با تمام مرگ‌ومیرها دولت عثمانی را مسئول دانست

(Assembly of Turkish American Associations, 1987:22)

یوسف هلاکوگلو، رئیس انجمن ترک و تاریخی، (president of the Turkish Historical Society (TTK))، ارقامی حتی کم‌تر از این، برای تلفات ارامنه ارائه داده است. او تخمین می‌زند که با توجه به جابه‌جایی اجباری، به جز خشونت‌های قومی، در مجموع ۵۶۰ هزار نفر از ارامنه، در طول جنگ و به علت وضعیت جنگ جهانی تلف شدند. از نظر هلاکوگلو کمتر از ۱۰ هزار نفر را سربازان دولت عثمانی کشته‌اند. البته این مطالعه و نتایج آن را مراجع رسمی ترکیه تأیید نکرده‌اند (Halaçoğlu, 2008: 50).

قحطی و گرسنگی زمان جنگ جهانی اول، یکی از استدلال‌هایی است که ادعا می‌شود بسیاری از ارامنه در

درحالی‌که از دولت ترکیه می‌خواهند از قتل‌عام و تبعید ارمنه عذرخواهی کند و نسل‌کشی ارمنه را به رسمیت بشناسد. مارک مازوور مدعی است: «حتی امروز هم غرب هیچ ارتباطی بین نسل‌کشی ارمنه و مسلمانان غیرنظامی برقرار نکرده است؛ میلیون‌ها نفر از مسلمانان رانده شده از مناطق بالکان و امپراتوری روسیه، در طول قرن نوزده میلادی در طول راه رسیدن به ترکیه (عثمانی) و اروپا کشته شده و در تاریخ اروپا و غرب به دست فراموشی سپرده شده‌اند. هیچ توجیهی برای نسل‌کشی مسلمانان در جواب منتقدان وجود ندارد و این در لایه‌های زیرین خشم ترک‌ها نسبت به غرب وجود دارد» (Mazower, 2001:19-21). با توجه به برخی تفاسیر و تحلیل‌ها، مانند آنچه از راهبی مسیحی از مذهب فرانسیسکن (The Prior of the Franciscan) نقل شده است اقدام مسیحی‌ها علیه مسلمان ترک نیز مصداق بارز نسل‌کشی بوده است: «هنگامی که پیروزی‌هایی توسط ارتش روسیه در سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵ م حاصل شد، در این زمان ترک‌ها توسط ارمنه مورد حمله قرار گرفتند و این حملات با کمک و احتمالاً دستور روسیه صورت گرفت. هرچا ارمنه، ترک‌ها را دیدند بیرحمانه آن‌ها را کشتند و در هرکجا که مسجدی می‌دیدند غارت کردند و آتش زدند. عثمانی در آتش و دود فرو رفت. اگر شما اکنون هم سفری به اطراف این کشور داشته باشید قادر خواهید بود نشانه‌هایی از جنگ بایبورت (Bayburt)، ارزنجان، ارزروم و قارص را ببینید و هنوز بوی خون و اجساد که متعلق به ترک‌هاست، به مشام می‌رسد» (Van Der Galiën, 2007:2-10). با این حال، روسیه یا ارمنستان متهم به نسل‌کشی مسلمانان نیستند؛ زیرا ادعا می‌شود که جنگی بی‌رحمانه در جریان بوده و این کشته‌ها در طول جنگ برجای مانده است King (2008:1-10). از دیگر ادعاهای مطرح شده توسط

جریان آن جان‌باخته‌اند؛ اما دولت ترکیه بارها اذعان کرده است که قحطی حادثه‌ای طبیعی بوده است و در این حادثه، بسیاری از مسلمانان نیز جان خود را از دست داده‌اند. به‌طورکلی، با شروع جنگ جهانی اول هر سال وضعیت امپراتوری سخت‌تر از سال قبل می‌شد و مردانی که توان کار و تولید داشتند مجبور بودند در خط مقدم جنگ حاضر شوند و تا زمان آتش‌بس، در امپراتوری عثمانی مردم وضع بسیار سختی را تجربه کردند. این موقعیت سخت، برای ارمنه و دیگر قومیت‌ها به‌صورت یکسان و حاصل وضعیت جنگ، در آن برهه از زمان بوده است (Spagnolo, 1992: 254-234).

اغماض کشتار مسلمان ترک

با توجه به داده‌های آرشیو عثمانی، برخی از محققان ترک استدلال می‌کنند که در این دوره، شبه‌نظامیان شورشی و انقلابی ارمنه صدها هزار نفر از شهروندان غیرنظامی مسلمان را کشته‌اند. قتل‌عام‌های صورت‌گرفته را واحدهای داوطلب ارمنه از گروه‌هایی همچون داشناکس (Dashnaks)، هونچاکس (Hunchaks) و رامگاوار (Ramgavars) و با حمایت لژیون‌های فرانسه و بریتانیا و روسیه انجام داده‌اند. این‌ها نمونه‌ای از جنایت‌ها علیه شهروندان مسلمان است. بنابراین، تلفات مسلمانان کمتر از ارمنه نبوده است. همچنین در اثنای جنگ‌های ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م و ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م، بالکان، هزاران مسلمان به جرم مسلمان بودن و تحت حمایت عثمانی بودن کشته و آواره شدند (۵ تا ۱: McCarthy, ۲۰۱۳). براساس اطلاعات و داده‌های مورخ مشهور مارک مازوور (Mark Mazower) متفکران ارمنی و غرب، هیچ‌گاه در رابطه با سرنوشت میلیون‌ها مسلمانی که از منطقه بالکان و روسیه اخراج شدند اظهار تأسف نکرده‌اند؛

ترک‌ها این است که اقدامات بلغارستان، صربستان، مونته‌نگرو و یونان در طول جنگ اول بالکان، در برابر آلبانی‌ها و ترک‌های مسلمان، نوعی نسل‌کشی بوده است؛ به‌خصوص اقداماتی را که صرب‌ها علیه ترک‌ها و آلبانی‌های کوزوو و مقدونیه انجام دادند (Glenny, 2000: 4 تا 233). بسیاری از روستاها در آتش سوختند و تمام ساکنان آن قتل‌عام شدند. نقل شده است یک صرب سوسیال دموکرات، درحالی‌که در نزدیکی شهر سوخته کومانوو (Kumanovo) در میان جمعیت انبوهی از مردم سخن می‌گفت از جنایتهایی که علیه مردم بی‌گناه رخ داده بود اعلام انزجار می‌کرد:

«... وحشت در واقع به محض عبور از مرز قدیمی آغاز شد. در حدود ساعت پنج بعدازظهر ما نزدیک شهر کومانوو شدیم. خورشید، در حال غروب بود و شهر در تاریکی فرومی‌رفت؛ اما هرچه آسمان تیره‌تر شد، روشنایی و نور حاصل از آتش‌سوزی در برابر دیدگان بیشتر می‌شد. شعله‌های آتش در تمام اطراف ما دیده می‌شد. تمام روستاهای آلبانی به ستونی از آتش تبدیل شده بود... دو روز قبل از ورود من در اسکوپیه، هنگام صبح که ساکنان بیدار شده بود، در زیر پیل اصلی «واردار (Vardar)» که در مرکز شهر قرار داشت، انبوه اجساد آلبانیایی‌ها را با سرهای بریده مشاهده کرده بودند... چیزی که روشن بود که این مردان بی‌سر، در جنگ کشته شده بودند» (Glenny, 2000: 267).

تاکتیک جنگ روانی

در جنگ جهانی اول، از تبلیغات و ضد اطلاعات به‌عنوان ابزاری جنگی، علیه حکومت عثمانی استفاده می‌کردند. هدف این تبلیغات، شورش مردم علیه دولتشان بود. از نظر مورخان ترک، دولت‌های غربی در سه کتاب توسط آرنولد توین‌بی (Arnold J. Toynbee)، هنری

مورگنتا (Henry Morgenthau) و یوهانس لپسیوس (Johannes Lepsius) اطلاعات نادرست نوشتند؛ سپس این سه کتاب به‌صورت عمده در صدر دستگاه تبلیغاتی غربیان قرار گرفت. کتاب آرنولد جی توین‌بی، با عنوان «رفتار با ارامنه در امپراتوری عثمانی» (Treatment of Armenians in the Ottoman Empire, ۱۹۱۶) در سال ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۶م، تحت مجموعه «کتاب آبی» (Blue Book) در لندن به طبع رسید. کتاب آبی، به‌طور ماهرانه‌ای حاوی اطلاعات نادرست درباره رفتار دولت عثمانی با ارامنه است. توین‌بی کتاب را به‌گونه‌ای نوشته است که نفرت از دولت عثمانی را به علت رفتار علیه ارامنه تقویت می‌کند. او داستان‌ها و خاطره‌های ارامنه مهاجر را به‌عنوان منبع کار خود آورده است (عابدپور، ۱۳۸۶: ۲۴ تا ۲۸). در جنگ جهانی اول، انگستان به‌طور سیستماتیک اقدام به پخش اطلاعات نادرست درباره رویدادها و اتفاق‌های دولت‌های عثمانی و ایران کرد. انگلیس با این اقدام، به دنبال تضعیف عثمانی بود. این مجموعه به‌فاصله اندکی با عنوان کتاب آبی منتشر شد. هدف نویسندگان کتاب آبی که اعتقاد است مجموعه‌ای از جاسوسان، مأموران وزارت خارجه، افسران نظامی و مورخان بودند، ارائه گزارش‌های دروغین و به شکل ماهرانه از اتفاقات بود. کتاب آبی ظاهراً جزو اسناد محرمانه دولت انگلستان تلقی می‌شد؛ اما به‌فاصله اندکی، در ایران و عثمانی ترجمه و به طبع رسید (عابدپور، ۱۳۸۶: ۲۴ تا ۲۸). کتاب هنری مورگنتا که در سال‌های ۱۸۵۶ تا ۱۹۴۶م، می‌زیست در سال ۱۹۱۸م و در نیویورک، با عنوان «داستان سفیر مورگنتا» به چاپ رسید (Morgenthau, 1918). مورگنتا در ۲۷ نوامبر ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۳، به عثمانی آمد و در اول فوریه ۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۶ به آمریکا بازگشت. او ۲۶ ماه، به‌عنوان سفیر آمریکا خدمت کرد و این کتاب را دو سال بعد از مأموریت خود، تکمیل کرد. نخبگان ارمنی به

(Kamuran Gurun)، دیپلمات سابق، میم کمال اکه (Mim Kemal Oke)، جاستین مکارتی و دیگران ادعا کرده‌اند که کتاب «رفتار با ارمنه در امپراتوری عثمانی» (۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م و ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م) که جیمز بریس (James Bryce) و آرنولد جی. توین بی با عنوان «کتاب‌آبی» در لندن منتشر کردند (Bryce and Toynbee, 2000)، فاقد اعتبار است. می‌توان انتشار این کتاب را بیان و انتشار خاطرات و شواهدی دانست که در آن هیچ استدلال خاصی، برای اثبات ادعای وجود «نقشه نسل‌کشی» موجود نیست. عده‌ای این کتاب را «مهندسی معکوس» می‌دانند. آنان مدعی هستند این کتاب مشکلات عدیده‌ای، در زمینه تاریخنگاری دارد و نویسنده صرفاً برای اثبات فرضیه خود، به منابع ضد ترک مراجعه کرده است. از نظر مورخان ترک، در این کتاب با استفاده از روش‌های تبلیغاتی، اطلاعاتی در رابطه با مراکز کشتار و تبعید ارمنه با ذکر سه منبع مختلف آورده شده است که داده‌های موجود در این سه منبع، با ابهامات و سوالات فراوانی روبه‌رو است. این کتاب استدلال می‌کند که دستور توزیع امکانات و فرمان‌های جابه‌جایی و تبعیدهای اجباری به‌صورت مخفی صادر می‌شده‌اند و کم‌وکیف تخصیص بودجه، برای این کار در کتاب نامشخص است (Travis, 2010: 77-237).

مضمون قانون تهجیر

قانون تهجیر یکی از مستندات موافقان نسل‌کشی، در اثبات فرضیه‌شان است. همان‌طور که گفته شد قانون تهجیر بخشی از اقدامات ویژه امپراتوری عثمانی، در رابطه با مدیریت جمعیت ارمنه این دولت، در طول جنگ جهانی اول بوده است. هدف این قانون جابه‌جایی جمعیت ارمنه، برای مقاصد نظامی بود. در ماه مه ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م، محمد طلعت‌پاشا به درخواست یکی از وزرای کابینه، به نام سعیدحلیم‌پاشا، برای فراهم کردن

کتاب مورگنتا، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأیید نسل‌کشی ارمنه استناد می‌کنند (2003:219-221 Balakian)، گفته شده است که تکمیل کتاب، با کمک دو نفر ارمنی که منشی و موثوق وی بودند، انجام شد. مورگنتا در کتاب خود، چهره غیرانسانی و وحشیانه‌ای از وزرای عثمانی، یعنی طلعت‌پاشا و انورپاشا، به تصویر کشیده است. مورخان ترک معتقدند که مورگنتا در بیان خاطرات خود، با استفاده از تبلیغات ضدعثمانی، سعی می‌کند چهره غیرانسانی از دولت عثمانی ارائه دهد. مورگنتا از قول وزرای عثمانی، حرف‌هایی نقل می‌کند که بیشتر شبیه شایعه است تا سخنی منطقی و مستدل. نویسندگان در اصل ارمنی کتاب، سعی کرده‌اند با مخدوش ساختن واقعیات، تصویر دروغینی از برخورد دولت عثمانی با ارمنه ارائه دهند. مورخان ترک همچنین معتقدند که مورگنتا به بیان اطلاعات جعلی می‌پردازد. اطلاعاتی که تنها، خود او منبع آن است. مورگنتا از زبان طلعت‌پاشا، وزیر داخله، نقل می‌کند که دولت عثمانی برنامه‌ای برای کاهش جمعیت ارمنه دارد (Oren, 2007: 332-333). این سؤال مطرح است که آیا امکان دارد طلعت‌پاشا، سیاستمدار ورزیده، به سفیر دولت آمریکا که حامی ارمنه بود، چنین برنامه‌ای را اعلام کند؟ یا او سعی می‌کند سخنان خود را مخفی نگه‌دارد تا به‌عنوان سند تلقی نشود؟ به نوشته جاستین مکارتی، مورگنتا هیچ‌گاه این سخن طلعت‌پاشا را برای وزارت امورخارجه آمریکا نفرستاد؛ بلکه بعدها آن را در کتاب خود آورد (عابدپور، ۱۳۸۶: ۲۴ تا ۲۸). انورضیاکارال (Enver Zia Karal)، رئیس سابق دانشکده تاریخ دانشگاه آنکارا، صلاحی سونیل (Salahi R. Sonyel)، مورخ معروف و فعال بریتانیایی، اسماعیل بین‌ارک (Ismail Binark)، مدیرکل آرشویو وزارت خارجه آنکارا، سیناسی ارل (Sinasi Orel)، مدیر پروژه عمومی اسناد طبقه‌بندی‌شده ارمنه عثمانی، کامران گاران

شهرهای شان برگزار شد. از نظر مورخان ترک، با توجه به این موضوع که این قانون موقت بوده است، می‌توان علت اصلی تصویب آن را حل و فصل موقتی مسئله ارامنه، در طول جنگ جهانی اول دانست؛ زیرا اگر این قانون جنبه برخورد جدی و قهری با ارامنه را داشت باید خواستار مهاجرت دائم آنان می‌شد. در صورتی که این قانون بر موقت بودن این جابه‌جایی تأکید می‌کرد (Halacoglu, 2001: 1-9). مورخان ترک همچنین، استدلال می‌کنند این قانون در تاریخ ۲۱ فوریه سال ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۶م، لغو و فرمان آزادی زندانیان سیاسی ارامنه صادر شد. هرچند ارامنه مدعی هستند این فرمان‌ها زمانی صادر شد که بسیاری از ارامنه، در جریان این تبعید اجباری جان خود را از دست داده بودند (آرشیو عثمانی، سند شماره ۶۲/۲۱).

صحت و سقم تلگراف‌های طلعت پاشا

یکی از مستندات تاریخی مورخان ارمنی، درخصوص نسل‌کشی ارامنه، تلگرام‌های طلعت پاشا است. طبق گفته مورخان ارمنی، طلعت پاشا در این تلگرام‌ها به مأموران خود، دستورالعمل‌هایی درباره نحوه کشتار ارامنه می‌داد. آنان بدین وسیله «قصد» دولت عثمانی در کشتار عمدی ارامنه را اثبات می‌کنند. ارامنه معتقدند که محتویات این تلگراف به صورت واضح و آشکار، قصد دولت را برای نابودی همه ارامنه نشان می‌دهد و تضمینی برای مصونیت قضایی مقامات بوده است. آنان همچنین بیان می‌کنند که این تلگراف‌ها خواستار سانسور شدید وضعیت ارامنه، به‌ویژه کودکان ارمنی که در یتیم‌خانه‌ها نگهداری می‌شدند، بوده است (Bryce and Toynbee, 2000: 653). منابع ارمنی نقل می‌کنند که در یکی از روزها، دستوری از سوی وزیر کشور آمده است:

بستر قانونی جابه‌جایی ارامنه و اسکان آنان در جاهای دیگر، به‌منظور کنترل و امنیت، طرح قانون تهجیر را مطرح کرد. از نظر مورخان ترک، قانون تهجیر قانونی موقت بود که در ۸ فوریه ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۶ نیز لغو شد. این قانون، قانونی مدنی بود که به‌منظور هماهنگ کردن فعالیت اداره‌های مختلف، در رابطه با مهاجران برنامه‌ریزی و اجرا شد (Murray, 2004: 94-95). در این قانون، اتخاذ هرگونه تدابیر برای حفظ جان و مال ارامنه در طول مهاجرت، در نظر گرفته شده بود. دولت عثمانی به مقامات محلی دستور داد تا تدابیر لازم را برای اسکان مجدد ارامنه، به‌طور منظم اتخاذ کنند. دولت همچنین فرمان داده بود تا از افرادی که خلاف این دستورات عمل می‌کنند بازجویی شود؛ همچنین مقرر بود اگر در نتیجه این بازجویی‌ها مقصر و مجرم شناخته شدند، در دادگاه‌های نظامی محاکمه شوند (ترکیه، ۲۰۱۲: ۲۲۳). ارامنه مدعی هستند تخلیه و جابه‌جایی اجباری، منجر به کشته‌شدن تعداد کثیری از آنان شد و با استناد به این قانون، ترک‌ها ارامنه را قتل‌عام کردند (Gaunt, 2006: 1-3). مورخان ترک استدلال می‌کنند که این قانون، به علت وضع جنگی حاکم بر امپراتوری عثمانی صادر شد و هدف آن این بود که به جابه‌جایی برخی شهروندان از روستاها و مناطق جنگی مبادرت شود و هدف از آن هرگز تبعید دائمی اهالی روستاها و شهرها نبود. تنها تعداد انگشت‌شماری از روستاها و شهرها مشمول این قانون می‌شدند. حتی در قسمتی از قانون تأکید شده بود که دستگاه‌های مسئول پس از پایان جنگ، باید امکان بازگشت افراد منتقل‌شده را به موطنشان فراهم کنند. بخش دیگری از مفاد این قانون، خواستار اسکان موقت افراد در کلیساهای منطقه‌ای و تعیین مکان‌های مناسب اسکان بود. همچنین، جلسات متعددی به‌منظور حسن اجرای قانون و حفاظت از افراد مهاجر تا زمان بازگشت مجدد آنان، به روستاها و

همین امر نیز موجب مخدوش شدن اعتبار این نامه شده است.

۵. وجود اشتباهات دستور زبانی که در این تلگراف است، نشان می‌دهد این نامه را نویسنده غیرترک نوشته است (Orel & Yuca, 1983: 143 & 144).

سیناسی ارل و ثریا یوچا یک فصل کامل از کتاب را به بررسی هفتاد سند دیگر، موجود در آرشیو عثمانی اختصاص داده‌اند. آنان با ترجمه نامه‌ها و اسناد و بررسی آن‌ها، سعی کرده‌اند ثابت کنند در اسناد عثمانی، هیچ نشانی از قصد ازپیش‌تعیین شده برای نسل‌کشی ارامنه وجود ندارد. علاوه‌براین، این دو نویسنده ترک با بررسی اسناد مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که نام و نشانی از «نعیم‌بیگ» که گفته می‌شود تلگراف برای وی ارسال شده است وجود ندارد و حتی به نظر می‌رسد چنین شخصی وجود خارجی ندارد. حتی آن‌ها ادعا کرده‌اند که نعیم‌بیگ ساخته ذهن آندونیان یا مقامی رده‌پایین، در دولت عثمانی بوده است؛ پس وی نمی‌توانسته است به اسناد حساس و با ماهیت امنیتی دسترسی داشته باشد (Orel & Yuca, 1983: 143 و 144). این نظری است که پروفیسور هلندی، اریک‌جان زرچر (Erik-Jan Zürcher)، نیز آن را پذیرفته است. البته، برخی دیگر از نویسندگان نیز تلاش کرده‌اند تا اعتبار این تلگراف را براساس برخی از اسناد موجود اثبات کنند (Zürcher, 2004: 116). بسیاری از نویسندگان و مورخان و محققان ترک‌زبان، اعتبار این تلگراف را زیر سؤال برده و مدعی شده‌اند که این تلگراف نامه‌ای مجعول تاریخی است که ارامنه، برای اثبات ادعای نسل‌کشی از آن استفاده کرده‌اند. این تلگراف نه در همان زمان، بلکه سال‌ها بعد به طرز شک‌برانگیزی به وزیر کشور زمان جنگ جهانی اول، طلعت‌پاشا، نسبت داده شده است. محققان دیگری همچون «کریستوفر جی واکر» در سال ۱۹۹۷م/ ۱۴۱۸ق، استدلال کرده‌اند: «شک و

«هرچند تصمیم نابودی ارامنه پیش‌تر از این گرفته شده بود، شرایط فعلی به ما اجازه اجرای این نیت مقدس را نمی‌دهد. اکنون همه موانع برداشته شده است و اجرای آن ضروری است. این تصمیم باید بدون احساس ترحم نسبت به شرایط سخت مهاجرین اجرا شود. در پایان این دستوری است به همه مجریان که با تمام قدرت برای نابودکردن ارمنستان از عثمانی تلاش کنند. این تصمیم و دستور جدید از سوی وزارت کشور، به‌معنای نابودی زندگی ارامنه ساکن در امپراتوری عثمانی بوده است و براساس آن دیگر ارامنه حق زندگی نداشتند» (Kowalewski, 1965:5). در سال ۱۹۸۳م، دو نویسنده ترک، سیناسی ارل (Şinasi Orel) و ثریا یوچا (Süreyya Yuca)، در مقاله‌ای با عنوان «تلگراف طلعت‌پاشا: واقعیت تاریخی یا یک داستان ارمی؟»، به نتایجی در رابطه با این تلگراف رسیده‌اند:

۱. امضای مصطفی بیک (Abdülhalik Mustafa Bey)، فرماندار حلب، با نمونه واقعی امضای فرمانداری در اسناد دیگر منطبق نیست.
۲. اشتباه تاریخ در تلگراف، نتیجه آگاهی‌نداشتن جعل‌کنندگان از تفاوت‌های تقویم عثمانی و اروپاست. اسناد امپراتوری عثمانی براساس تقویم این دولت تنظیم می‌شد و نه تقویم اروپایی.
۳. تاریخ و شماره مرجع که در بالای تلگراف به کار رفته، با شماره مرجع‌هایی که توسط وزارت کشور عثمانی به کار می‌رفته است، به‌ویژه در نامه‌های ارسالی از قسطنطنیه به حلب، سنخیت ندارد و اعتبار این تلگراف را با ابهام روبه‌رو می‌کند.
۴. همه نامه‌ها و تلگراف‌های امپراتوری عثمانی، در طول جنگ جهانی اول که در آرشیوهای این دولت موجود است بر روی کاغذهایی با سربرگ رسمی نگاشته می‌شد؛ اما تنها دو نامه که یکی همین تلگراف طلعت‌پاشا است، بر روی کاغذ ساده نوشته شده و

تعهدات و اقدامات دولت سلف خود، خصوصاً در اعمال منفی نیست. براساس نظریه «ولادت مطهر» (Clean State) یا «دکترین لوح پاک» یا «قاعده عدم انتقال»، دولتی جدید را نمی‌توان مسئول اقدامات دولت پیشین دانست. این مسئله، هم درباره دولت‌های جدیدالاستقلال و هم درباره دولت‌هایی که در اثر تجزیه یک اتحاد یا ایجاد اتحاد پدیدار می‌شوند مصداق پیدا می‌کند. بنابراین، طبق موازین بین‌المللی مگر در صورت رضایت صریح یا تلویحی، دولت‌های جدید به تعهدات و اقدامات مندرج در معاهدات سلف خویش متعهد نیستند. درکل، آن دسته از حقوق و تعهدات و مسئولیت‌هایی که به شخصیت بین‌المللی دولت ازین‌رفته ارتباط دارند، خودبه‌خود به دولت جانشین منتقل نمی‌شود. ولی آن دسته از مسئولیت‌ها و حقوق و تعهدات کشور که مربوط به قلمرو فیزیکی دولت بوده و نیز معاهداتی که ناظر به امور مرزی و اتباع و مالکیت عمومی بوده‌اند همچنان استمرار می‌یابند. معاهدات و اقدامات سیاسی، اتحادهای نظامی، پیمان‌های تجاری و بازرگانی، معاهدات مربوط به استرداد مجرمان و... مثال‌هایی از تعهدات غیرسرزمینی هستند و به‌خودی‌خود به دولت جدید منتقل نمی‌شوند (امیدی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). بنابراین، از نظر مورخان ترک، همان‌گونه‌که دولت‌های آلمان شرقی و غربی، در برابر اقدامات هیتلر مسئول نبودند، دولت ترکیه نیز در برابر وقوع احتمالی نسل‌کشی، در رژیم امپراتوری عثمانی سابق مسئول نیست. از این‌رو، انتقال مسئولیت اقدامات عثمانی به دولت جدیدالولاده‌ای، به نام جمهوری ترکیه، با مشکلات عدیده حقوقی روبه‌رو است. اما در مقابل، طرفداران نسل‌کشی ارامنه استدلال می‌کنند که نظریه ولادت مطهر درباره ترکیه صدق نمی‌کند؛ زیرا با توجه به اصل دوام دولت، ترکیه مدرن در ادامه امپراتوری عثمانی تشکیل شده است و عاملان

تردیدهایی همچنان در رابطه با اعتبار این تلگراف وجود دارد و تا زمانی که همه اسناد و مدارک مشابه و قابل اسناد به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگیرد و در یک مجموعه کنار هم قرار نگیرد، نمی‌توان به‌طور قاطع در رابطه با آن اظهارنظر کرد» (Walker, 1997: 247). محقق اتریشی، ولفدیتر بیهل (Wolfdieter Bihl)، نیز این تلگراف و استناد به آن را جنجال‌برانگیز خوانده است. نویسنده دیگری به نام گوئنتر لوی (Guenter Lewy) نیز می‌نویسد: «انتشار این تلگراف توسط آندونیان، از طلعت‌پاشا یک چهره اهریمنی ساخته است و باید به یاد داشت که این تغییر چهره از سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، توسط ارامنه اتفاق افتاده است» (Lewy, 2005: 65-73). درعین حال، برنارد لوئیس معتقد است آنچه از آن با عنوان کشتار عظیم نام برده می‌شود، «یک تصمیم ازپیش‌گرفته‌شده و عمدی از سوی دولت عثمانی علیه ارامنه نبوده است». او و ۶۸ مورخ آمریکایی طی نامه‌ای به کنگره آمریکا، قرائت متفاوتی از قضیه مرگ‌ومیر ارامنه در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، ارائه و مشابه‌سازی آن را با قضیه هلوکاست رد کردند (Hovannisian, 1988: 237-348). مورخی هلندی به نام «اریک زورچر» معتقد است دستور قتل‌های گزارش شده، در طول اجرای قانون تهجیر را دولت عثمانی صادر نکرده است و تنها تخلیفات نمونه‌ای، در بعضی از مناطق ازسوی نیروهای نظامی رخ داده است. او برای این ادعای خود، اطلاعات دادگاه‌های نظامی و محکوم‌شدن افسران نظامی به جرم قتل عام شهروندان ارمنی در اوایل سال ۱۳۳۴ق/ ۱۹۱۶م، را ارائه داده است (Zürcher, 2004: 116).

نظریه ولادت مطهر

قاعده کلی آن است که وقتی دولت جدیدی ظهور می‌یابد، براساس اصل «جانشینی دولت‌ها» متعهد به

مرحوم سیدمحمدعلی جمالزاده نویسنده ایرانی، مشاهدات خود را تحت‌عنوان «مشاهدات شخصی من در جنگ جهانی اول» در خرداد ۱۳۵۰ / می ۱۹۷۲، در ژنو به رشته تحریر درآورده است. او که در بهار ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، از برلن عازم بغداد بود ابتدا به استانبول و سپس به حلب و بغداد رفت و از همان راه نیز بازگشت. جمالزاده می‌نویسد: «با گاری و عرابه از بغداد و حلب به‌جانب استامبول به راه افتادیم. از همان منزل اول، با گروه‌های زیاد از ارمنه مواجه شدیم. صدها زن و مرد ارمنی را با کودکانشان به حال زاری به ضرب شلاق و اسلحه پیاده و ناتوان به جلو می‌راندند. دختران ارمنی موهای خود را از ته تراشیده بودند و علت آن بود که مبادا مردان ترک و عرب به جان آن‌ها بیفتند. دو سه تن ژاندارم بر اسب سوار این گروه‌ها را درست مانند گله گوسفند به ضرب شلاق به جلو می‌راند. فاصله‌به‌فاصله، کسانی از زن و مرد ارمنی را می‌دیدیم که در کنار جاده افتاده‌اند و مرده‌اند یا در حال جان‌دادن و نزع بودند... باز روزی دیگر، در جایی اطراق کردیم که قافله بزرگی از همین ارمنه در تحت مراقبت سوارهای پلیس عثمانی در آنجا اقامت داشتند. یک زن ارمنی با صورت و قیافه مردگان به من نزدیک شد و به زبان فرانسه گفت: ترا به خدا این دو نگین الماس را از من بخر و در عوض قدری خوراکی بمانده که بچه‌هایم از گرسنگی دارند هلاک می‌شوند» (به نقل از: مهرین، ۱۳۴۲: ۵۸ و ۵۹). این همه نشان می‌دهد که شدت فاجعه، به‌مراتب بیش از آن چیزی بود که مخالفان نسل‌کشی مطرح می‌کنند یا آن را تراژدی بزرگ می‌نامند. استدلال‌های مطروح شده اقدامات عثمانی یا فجایعی را که دول اروپایی و روسیه علیه مسلمانان ترک روا داشتند تبرئه نمی‌کند. ولی این باید درسی باشد برای همه که این‌گونه فجایع دوباره

نسل‌کشی نیز ترک‌ها بودند. در واقع، ماهیت عثمانی عوض نشده، بلکه در اینجا صرفاً تغییر اسمی رخ داده است؛ ولی حقوقدانان ترک چنین استدلالی را رد می‌کنند (Kuyumajian, 2011: 272-302).

نتیجه

دولت ترکیه و مورخان مخالف نسل‌کشی ارمنه، مرگ‌ومیر تعداد بسیاری از ارمنه را در اثنای جنگ جهانی اول انکار نمی‌کنند و حتی آن را تراژدی بزرگ می‌نامند؛ ولی بر سر نکات زیر اختلاف دارند: اولاً این کشتار نتیجه هرچ‌ومرچ ناشی از جنگ جهانی اول و اوضاع به‌هم‌ریخته سال‌های پایانی عمر امپراتوری عثمانی بوده و هیچ قصد و برنامه‌ریزی قبلی، برای کشتار ارمنه در کار نبوده است. در تعریف نسل‌کشی، عنصر «تعمد» بسیار حایز اهمیت است؛ درحالی‌که از نظر این دسته از مورخان، اثبات عنصر تعمد در جریان جابه‌جایی جمعیتی ارمنه غیرممکن است. ثانیاً در تعداد مرگ‌ومیر ارمنه، در جریان جابه‌جایی جمعیتی اغراق صورت گرفته و این کار، با هدف تخریب ترک‌ها و مظلوم‌نمایی ارمنه و اهداف سیاسی مانند امتیازگیری در قره‌باغ انجام شده است. ثالثاً طبق نظریه ولادت مطهر، در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م، دولتی به نام امپراتوری عثمانی حاکم بوده است؛ درحالی‌که ترکیه جدید از ۱۳۴۱ق/ ۱۹۲۳م، بر سرزمین ترکیه ظاهر شده است. بنابراین ترکیه فعلی مسئول جنایات‌های احتمالی سلف خود نیست. به‌عبارت دیگر، ترکیه مدرن موجودیت سیاسی جدیدی محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را تعقیب حقوقی کرد. با این وصف، استدلال‌های فوق به‌تنهایی فاجعه انسانی صورت گرفته در اثنای جنگ جهانی را تظہیر نمی‌کند. قطعاً در وقوع فجایع انسانی علیه ارمنه، آمرین و کارگزاران عثمانی، نه ترکیه فعلی، نیز مسئول بودند.

- عابدپور، سعید، (۱۳۸۶)، «قتل عام ارمنه در سال ۱۹۱۵، بر پایه اسناد و مدارک»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال جدید، شماره ۱۱۱، صص ۲۴ تا ۲۷.

ج. منابع غیرفارسی

- Assembly of Turkish American Associations, (1987), *Armenian Allegation; -Myth and Reality*, Washington: The Assembly of Turkish American Associations.
- Balakian, P.,(2003), *The Burning Tigris: The Armenian Genocide and America's Response*, New York: HarperCollins.
- Bryce, V., (1916), "The Treatment of the Armenians in the Ottoman Empire", *Miscellaneous*, No. 31. Available at: <http://net.lib.byu.edu/~rdh7/wwi/1915/bryce>
- Bryce, J., and Toynbee, A., (2000), *The Treatment of Armenians in the Ottoman Empire, 1915-1916, Documents Presented to Viscount Grey of Falloden by Viscount Bryce*, Uncensored Edition, Taderon Press.
- Chalk, F., and Kurt, J.,(1990), *the History and Sociology of Genocide: Analyses and Case Studies*, Yale University Press.
- "Convention on the Non-Applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes against Humanity", (1970), *UN General Assembly*, Entry into force: 11 November 1970, in accordance with article VIII, at: <http://www2.ohchr.org/english/law/warcrimes.htm>
- Karakoc, E., (2010), "An Armenian Minister in the Ottoman Foreign Ministry: Gabriyel Noradunkhian Effendi", *Uluslararası İlişkiler*, Cilt 7, Sayı 25, (Bahar 2010), s. 157-177. In: http://www.ataa.org/reference/Gabriyel_Noradunkyan.pdf
- First-hand account by a Turkish army officer on the deportation of Armenians from Trebizond and Erzerum, (December 26, 1916), at: <http://www.armenian-genocide.org/br-12-26-16-text.html>
- Gaunt, D., (2006), *Massacres, Resistance, Protectors: Muslim-Christian Relations in*

تکرار نشود؛ نه اینکه بهانه‌ای برای اعمال فشار بر کشور ترکیه امروز یا احیاناً امتیازگیری سیاسی.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

- اردوان، مهرداد و زمانی‌نیا، مصطفی، (۱۳۸۶)، تاریخ محکوم می‌کند: محاکمه عاملان قتل عام ارمنیان، تهران: کتاب سیامک.
- امید، علی، (۱۳۸۸)، *حقوق بین‌الملل: از نظریه تا عمل*، تهران: میزان.
- رائین، اسماعیل، (۱۳۵۷)، *قتل عام ارمنه*، تهران: امیرکبیر، چ ۲.
- طباطبایی، مهرزاد، (۱۳۹۰)، *قانون مجازات انکارکنندگان قتل عام تاریخی ارمنه در پارلمان فرانسه*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقاتی ابرار معاصر تهران.
- مهرین، مهرداد، (۱۳۴۲)، *سرگذشت و کار جمالزاده*، تهران: کانون معرفت، چ ۲.
- نگوین، کک دین و پاتریک دیبه، (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل*، مترجم: حسن حبیبی، تهران: اطلاعات.

ب. مقالات

- اصفهانیان، داوود، (۱۳۴۸)، «مسئله ارمنه در امپراتوری عثمانی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره اول، ش ۱، سال ششم، صص ۲۰ تا ۳۰.
- باغداساریان، ادیک، (خرداد ۱۳۸۵)، «نگاهی کوتاه به تاریخ قتل عام ارمنیان توسط حکومت ترکیه»، *مجله آپاگا*، ش ۲۵، سال هفتم، صص ۱ تا ۱۰.
- جیکوبز، استیون ال، (۱۳۸۴)، «رافائل لمکین و نسل‌کشی ارمنیان»، ترجمه ژیلبرت مشکنبریانس، *پیمان*، سال ۹، ش ۳۱، صص ۱۰.

the Armenian Genocide and the Holocaust, University of Chicago Press.

-Morgenthau, H., (1918), *Ambassador Morgenthau's Story*, N.Y.: Doubleday.

-Murray, J., (2004), "*America and the Armenian Genocide of 1915*", Cambridge University Press.

-Orel, Ş., and Yuca, S., (1983), *The Talaât Pasha "telegrams": Historical Fact or Armenian*

.Ochsenwald, W., (2003), *Sydney Nettleton Fisher The Middle East: A History*, Volume I, McGraw-Hill Humanities, Social Sciences, Languages; 6 edition (June 4, 2003) ISBN 978-0-07-244233-5

-Oren, Michael B., (2007), *Power, Faith, and Fantasy: America in the Middle East 1776 to the Present*, New York: W. W. Norton & Co.

-Ottoman Archive Coding Office, no 62/21

-Ottoman Archive Coding Office, no. 59/244

-Ottoman Archive Coding Office, no. 56/140; 55 - A/144.

-Ottoman Archive Coding Office; no 56/186.

-Ottoman Archive Coding Office, no 58/278; no 58/141; no. 55-A/156; no. 55-A/157; no 61/165; no 57/116; no 57/416; no 57/105; no 59/235; no 54-A/326; no 59/196

-Schaefer, T (ed.) ,(2008), *Encyclopedia of Race, Ethnicity, and Society*. Los Angeles: SAGE Publications.

-Schabas, William A., (1948), *Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*", New York, 9 December, at: <http://www.un.org/millennium/law/iv-1.htm>

-Siddiqui, H., (2012), "Armenian Genocide - Fact or Fiction?", at:

<http://www.historyoftruth.com/articles/analyses/11175-armenian-genocide-fact-or-fiction>

-Spagnolo, John., (1996), "The famine of 1915-1918 in greater Syria", in John P. Spagnolo, *Problems of the Middle East in Historical Perspective, Essays in historical perspective*, Ithaca Press.

-Tetik, Dr. Alb. A., (2005), *Arşiv Belgeleriyle Ermeni Faaliyetleri 1914-1918*, 5 Volumes, Ankara: Genelkurmay.

Eastern Anatolia during World War I, Gorgias Press LLC.

-Glenny, M., (2000), *The Balkans: Nationalism, War and the Great Powers 1804-1999*, Penguin.

-Hadjilyra, Alexander-Michael ,(2009), *the Armenians of Cyprus*, Kalaydjian Foundation.

-Halacoglu, Y., (2001), *Facts Relating to the Armenian Relocation ,(1915)*, TTK Publication, Ankara.

-Halaçoğlu, Y., (2008), *the story of 1915: what happened to the Ottoman Armenians?* Turkish Historical Society. Available at: <http://www.imprescriptible.fr/proces/proces-du-genocide/negation/armenian-genocide-lie.pdf>

-Hovannisian, Richard G., (1998), *Remembrance and Denial: The Case of the Armenian Genocide*, Wayne State University Press.

-Kedourie, S., and Wasti, S.T., (1996) , *Turkey: Identity, Democracy, Politics*, Routledge.

-King, Ch., (2008), *The Ghost of Freedom: A History of the Caucasus*, Oxford University Press.

-Kowalewski, E., (1965), *Turk at Work: The Most Fearful Genocide in the History of the Human Race*, International Armenian League.

.Kumajian, P. A., (2011), "The Armenian Genocide : International Legal and Political for Turkey's Responsibility", in: <https://www.usherbrooke.ca/Laswell>,

-Haold D., (1971), *Propaganda Techniques in the world war*, New York: The MIT Press.

-Lewy, G., (2005), *the Armenian Massacres in Ottoman Turkey: A Disputed Genocide*, University of Utah Press.

-MacCarthy, J., (2013), "Death and Forced Exile of Ottoman Muslims in the 1912-1913 Balkan Wars", at: <http://www.tc-america.org/files/news/pdf/balkan-wars-map.pdf>

-Mazower, M., (2001), *The G-Word*, London review of Books, Vol. 23, No 3.

-Melson, R., and Kuper, L., (1996), *Revolution and Genocide: on the Origins of*

<http://www2.ohchr.org/english/law/warcrimes.htm> .

- The Armenian Weekly* ,(2011), “French Parliament Passes Bill Criminalizing Armenian Genocide Denial”, at: <http://www.armenianweekly.com/2011/12/22/breaking-news-french-parliament-passes-bill-criminalizing-armenian-genocide/>
- Timur, T., (1915), *Ve Sonrası Türkler ve Ermeniler*, Ankara.at: <http://www.tbmm.gov.tr/yayinlar/yayin1/4-McCarty%2865-85%29.pdf>
- Totten, S., and Bartrop, P., R., (2004). “The United Nations and Genocide: Prevention, Intervention and Prosecution”, in *Human Rights Review*, Vol. 5, Issue: 4.
- Travis, H., (2010), *Genocide in the Middle East: The Ottoman Empire, Iraq, and Sudan*, Durham, NC: Carolina Academic Press
- Van Der Galiën, M., (2007), “Armenian Atrocities Against Muslim Turks Part II”, *Armenian Genocide Resource Center*, at: <http://armenians-1915.blogspot.com/2007/11/2182-armenian-atrocities-against-muslim.html>
- Walker, Christopher J., (1997), “World War I and the Armenian Genocide”, in Richard G. Hovannisian, ed., *The Armenian People*, Vol. 2, New York: St. Martin's Press.
- Xinhua ,(4March 2010), “U.S. House panel approves Armenia genocide resolution”, at: http://news.xinhuanet.com/english2010/world/2010-03/05/c_13197636.htm
- Zürcher, E., (2004), *Turkey: A Modern History*, New York: I.B. Tauris. Abstract

د. وبسایت

- ترکیه، (۲۰۱۲)، وبسایت رسمی دولت ترکیه در: <http://www.byegm.gov.tr/docs/Turkiye2011/farsca/index.htm>
- «متن انگلیسی کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی»، (۲۰۱۲)، در: <http://www.un.org/millennium/law/iv-1.htm>
- «قطعنامه ۲۳۹۱ مجمع عمومی در خصوص عدم مشمول مرور زمان جنایت جنگی و نسل‌کشی»، (۱۹۷۰)، در: